



دور دوم جناب؛ انتقام از مردم

مجموعه پیام‌های تبیینی
پیرامون رخداد‌های زمستان ۱۴۰۴



فهرست

۴	پیام اول	اتفاقات زمستان ۱۴۰۴، «دور دوم جنگ» با آمریکا و رژیم صهیونیستی است.
۵	پیام دوم	کوتاه بودن پنجره فرصت دشمن، علت اصلی در رفتارهای جنایت آمیز مزدوران بوده است.
۶	پیام سوم	مزدوران ترامپ با گذشته سازی گسترده، به دنبال زمینه سازی برای حمله امریکا به ایران هستند.
۷	پیام چهارم	تمرکز بر نقد سیاست های اقتصادی دولت به عنوان ریشه ی وقوع حوادث، خطایی راهبردی است.
۸	پیام پنجم	کشتار وحشیانه مردم در خیابان ها، انتقام اسرائیل از مردم به دلیل اتحاد مقدس آنها بود.
۹	پیام ششم	ریشه اصلی وقوع بی ثباتی ارزی، سیاست فشار حداکثری دشمن برای فشار معیشتی بر مردم است.
۱۰	پیام هفتم	طرح دشمن صرفاً با برگزاری تجمعات پایان نخواهد یافت.
۱۱	پیام هشتم	شهادت خشونت آمیز مردم عادی، بزرگترین ظلم آشوب گران است.
۱۲	پیام نهم	آتش زدن کسب و کارها و بازار، هرگونه انگیزه معیشتی در آشوب گران را منتفی می کند.
۱۳	پیام دهم	استفاده از واژه «اغتشاش» برای بیان اتفاقات روزهای گذشته کفایت نمی کند.
۱۴	پیام یازدهم	دشمن انتظار بروز اقتدار و اراده مستحکم نیروهای انتظامی و بسیجی کشور را نداشت.
۱۵	پیام دوازدهم	باید برای ادعاهای روزهای آینده از امروز روایت پردازی کنیم.
۱۶	پیام سیزدهم	تحریم تعرفه ای جدید انتقام فوری ترامپ از مردم ایران است.
۱۷	پیام چهاردهم	بازنگری در طرح دشمن، فشارهای اقتصادی بر مردم را بیشتر می کند.
۱۸	پیام پانزدهم	در معرکه فعلی، محدوده ای برای بی طرفی ایرانیان وجود ندارد.

اتفاقات زمستان ۱۴۰۴، «دور دوم جنگ» با آمریکا و رژیم صهیونیستی است.

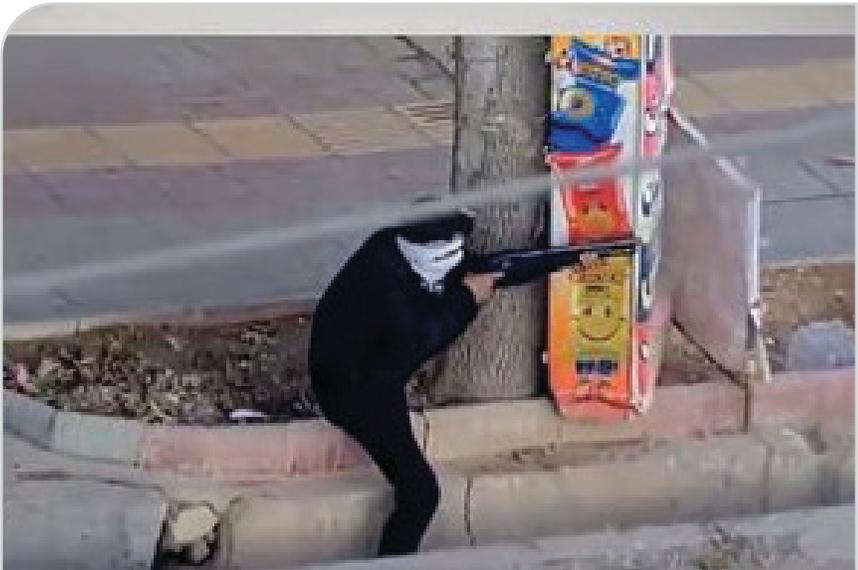
رهبر انقلاب ابتدای آذرماه اشاره کرده بودند که «بنا به قولی، رژیم صهیونی بیست سال برای این جنگ برنامه‌ریزی و آماده‌سازی کرده بود؛ بعضی این جور نقل کردند. بیست سال برنامه‌ریزی برای اینکه یک جنگی در ایران رخ بدهد و مردم تحریک بشوند و با آنها همراهی کنند و با نظام بجنگند؛ برای این برنامه‌ریزی شده بود». یکی از اضلاع این برنامه‌ریزی، ایجاد شبکه‌های تروریستی مسلح در درون خاک ایران بود که مشخصاً قرار بود در خرداد ماه و همزمان با جنگ ۱۲ روزه فعال شوند. اما در جنگ ۱۲ روزه این اتفاق رخ نداد. رهبری به این نکته در سخنرانی تلویزیونی ابتدای مهرماه اشاره کردند: «کار را مردم به جایی رساندند که دشمن، به عوامل خودشان گفتند: «بی‌عرضه‌ها! ما دیگر چه کار می‌توانستیم برای شماها بکنیم که نکرديم؟ زمینه‌ها را فراهم کردیم، بمباران کردیم، عده‌ای را ترور کردیم، کشتیم؛ چرا کاری نمیکنید؟». این عواملشان در ایران، در تهران - که البته بدون شک عواملی دارند - اینها جواب دادند، گفتند ما میخواستیم کارهایی بکنیم اما مردم به ما اعتنائی نکردند، به ما پشت کردند».

این شبکه‌ی تروریستی که محصول بیست سال برنامه‌ریزی رژیم صهیونی بود، از جنگ ۱۲ روزه تا امروز در کمین فرصت و زمینه‌ای بود تا با هماهنگی سیاسی آمریکا و رژیم. وارد میدان شوند. از ماه‌ها قبل فرماندهان نیروهای مسلح و مسئولان امنیتی کشور نسبت به وجود این شبکه آگاهی و برای برخورد با آن آمادگی داشته‌اند و منتظر تحرکات شبکه‌ی تروریستی دشمن بوده‌اند. اقدامات و تحرکات این شبکه‌ی تروریستی که قرار بود طی فرآیند مهندسی شده‌تری در خردادماه پیاده شود، با تعویقی چند ماهه دردی‌ماه به میدان آمده است. بنابراین، «جنگ شهری» دی ماه، در حقیقت «دور دوم جنگ» با رژیم صهیونی و آمریکا است؛ جنگی که در دور نخست آن با شکست رژیم صهیونی و آمریکا به پایان رسید و ان‌شالله با آگاهی و همراهی مردم، دور دوم آن نیز با پیروزی جمهوری اسلامی به پایان خواهد رسید.



«جنگ شهری» دی ماه، در حقیقت «دور دوم جنگ» با رژیم صهیونی و آمریکا است؛ جنگی که در دور نخست آن با شکست رژیم صهیونی و آمریکا به پایان رسید.

کوتاه بودن پنجره فرصت دشمن، علت اصلی در رفتارهای جنایت آمیز مزدوران بوده است.



در طول ۱۵ سال گذشته، کشته سازی پروژه دائمی هسته های موساد و سیا در دوره های گذشته اغتشاشات در ایران بوده است، اما در حوادث دی ماه امسال این سناریو با نهایت شقاوت و شدت و به صورت غیر قابل مقایسه ای با دوره های گذشته به وقوع پیوسته است. روشن است که دلیل این سبک طراحی آن است که به دلیل اتحاد و همدلی برآمده در ماه های پس از جنگ ۱۲ روزه، دشمن پنجره فرصت کوتاه مدتی برای به آشوب کشاندن ایران دارد و لذا تمام تلاشش بر آن بوده است تا در طی روزهای معدودی تعداد بالایی کشته روی دست جمهوری اسلامی بگذارد و قبل از وقوع عکس العمل های عمومی مردم در خاموش کردن این بلوا و این کشتارها را بر طبق خواست خود روایت کرده و حاکمیت را عامل این ترورها و جنایات ها معرفی نموده و فضای عمومی کشور را شدیداً متاثر کرده و به التهاب بکشاند.



تمام تلاشش بر آن
بوده است تا در طی
روزهای معدودی
تعداد بالایی
کشته روی دست
جمهوری اسلامی
بگذارد.

مزدوران ترامپ با کشته‌سازی گسترده، به دنبال زمینه‌سازی برای حمله آمریکا به ایران هستند.

ترامپ از همان روز نخست اعتراضات، پروژه‌ی سیاسی آمریکا و رژیم صهیونیستی را لو داد: «اگر ایران شروع به کشتن مردم بکند، فکر می‌کنم ایالات متحده ضربه‌ی بسیار سختی به آن‌ها خواهد زد». رئیس‌جمهور آمریکا کشته‌سازی از مردم ایران را به عنوان موتور محرکه‌ی یک بازی جدید آمریکایی صهیونی می‌خواست که محتمل‌ترین آن حمله‌ی مجدد به ایران است. پروژه‌ی مزدوران ترامپ و

نتانیاها در ایران این بود که با کشته‌سازی از مردم عادی، میدان را برای مداخله‌ی مستقیم ترامپ در مسائل کشور و به احتمال فراوان، حمله‌ی مجدد او به ایران فراهم آوردند. جمهوری اسلامی همه‌ی افراد کشته‌شده در حوادث دی‌ماه را به یک چشم نمی‌نگرد و بر این باور است که به غیر از مزدورانی که محرک و پیشران جنگ شهری بودند و به هلاکت رسیدند، سایر کشته‌ها چه از مردم عادی و چه از معترضان که هدف تروریسم واقع شدند، قربانی مطامع و سیاست‌های ترامپ و نتانیاها هستند. بر همین اساس نظام اسلامی به همراه عموم مردم ایران، به صورت هوشمندانه ای خود را عذردار این خون‌های ریخته‌شده و خون‌خواه و منتقم آن‌ها دانسته و از بانیان اصلی آن به سادگی نخواهد گذشت.

The White House @WhiteHouse · 1h

"If Iran shots and violently kills peaceful protesters, which is their custom, the United States of America will come to their rescue. We are locked and loaded and ready to go. Thank you for your attention to this matter!"
- President DONALD J. TRUMP



Donald J. Trump
@realDonaldTrump

If Iran shots and violently kills peaceful protesters, which is their custom, the United States of America will come to their rescue. We are locked and loaded and ready to go. Thank you for your attention to this matter!
President DONALD J. TRUMP

1,7K

2,6K

9,3K

178K



پروژه‌ی مزدوران
ترامپ و نتانیاها
در ایران این بود
که با کشته‌سازی از
مردم عادی، میدان
را برای مداخله‌ی
مستقیم ترامپ در
مسائل کشور و به
احتمال فراوان،
حمله‌ی مجدد او به
ایران فراهم آوردند.

تمرکز بر نقد سیاست‌های اقتصادی دولت به عنوان ریشه‌ی وقوع حوادث زمستان ۱۴۰۴، خطایی راهبردی است.

بخشی از صاحب‌نظران و نیروهای انقلابی با جداسازی و تفکیک دولت از نظام، سیاست اقتصادی دولت در حذف ارز ترجیحی را عامل اصلی اغتشاشات می‌دانند و بر این باورند که سیاست تک‌نرخی شدن ارز و حذف ارز ترجیحی عامل اصلی وقوع جنگ شهری در دی ماه است. این دیدگاه با تکیه بر استعاره‌ی «نشستن مگس بر روی زخم»، زخم کاری و اصلی را سیاست‌های اقتصادی دولت می‌داند که البته دشمن از آن استفاده کرد و تا حدودی دولت و دشمن را در این مسیر همدست می‌پندارد. غرض و هدف اصلی آماج این روایت، بیش از آن‌که دشمن باشد، دولت چهاردهم است. چنین روایتی با بیانات رهبر انقلاب طی دو سخنرانی که از ابتدای اعتراضات اقتصادی با مردم داشته‌اند (۱۳ دی و ۱۹ دی)، سازگاری ندارد. در اولین سخنرانی، ضمن درست دانستن دغدغه‌ی بازاری‌ها و کسبه، تاکید کردند که منشا بالا و پایین رفتن نرخ ارز، دشمن است: «این گران شدن قیمت ارز خارجی، بالا رفتن بی‌حساب قیمت ارز خارجی و عدم ثبات آن که مدام بالا برود، پایین بیاید که کاسب نداند تکلیفش چیست، طبیعی نیست؛ این کار دشمن است». در دومین سخنرانی نیز، بدون اینکه اشاره‌ای به مسائل و اعتراضات اقتصادی داشته باشند، منشا وقوع حوادث پنجشنبه شب را مستقیماً متوجه ترامپ و مزدوران او کردند: «دیشب در تهران، در بعضی جاهای دیگر، یک مشت تخریبگر آمدند ساختمان متعلق به کشور خودشان را خراب کردند. مثلاً فرض کنید در فلان ساختمان، یک دیواری را خراب کردند. برای اینکه دل رئیس‌جمهور آمریکا خوش باشد؛ چون او یک حرف بی‌ربطی گفته که اگر چنانچه دولت ایران چنین کند، من می‌آیم طرف شما را. طرف این اغتشاشگرها و افراد مضر برای کشور را. میگیرم، اینها هم دلشان به او خوش است!».

از این منظر، برجسته کردن هر عاملی غیر از آمریکا و رژیم صهیونی (مانند نقد سیاست‌های اقتصادی دولت، نقد کارشناسی زمان یا شیوه‌ی اجرای سیاست‌های اقتصادی و ...) خطایی راهبردی است و می‌تواند طرح سیاسی دشمن را تکمیل کند. زیرا به جای معطوف‌سازی اذهان عمومی به جنگ افروزی دشمن، مجموعه‌ای از منازعه‌های داخلی را برمی‌انگیزد. از سوی دیگر، در افکار عمومی مردم ایران، «تفکیک دولت از حاکمیت» و نسبت دادن مشکلات به دولت و مبرّأ کردن حاکمیت از آن، اساساً ممکن نیست. بنابراین، این سیاست تبیینی که به هدف جلب نظر اعتراضی مردم و جهت‌دهی به آن مطرح می‌شود، فارغ از این‌که صحیح یا غلط باشد، نتیجه‌ی عکس خواهد داد.

کشتار وحشیانه مردم در خیابان‌ها، انتقام اسرائیل از مردم به دلیل اتحاد مقدس آنها بود.

جنگ ۱۲ روزه که به اذعان خود متجاوزان آمریکایی و صهیونیستی، حاصل سالها طراحی و برنامه ریزی و زمینه سازی جبهه غرب بر علیه مردم ایران بود، با وجود موفقیت‌هایی که در ترور فرماندهان و بمباران بخش‌هایی از کشور نصیب دشمن شد،



مظلومیت مجاهدان امنیت مشهد

مشهد ۱۴۰۴/۰۱/۱۸

اما آنها نتوانستند سناریو اصلی خود که به اذعان رئیس‌جمهور آمریکا «تسلیم بی قید و شرط» ایران بود را محقق کنند. یکی از دیوارهای مستحکمی که جلوی این تجاوز دشمنان ایستاد، مردم ایران بودند که با اتحاد خود در مقابل دشمن متجاوز، اجازه اجرای فازهای بعدی عملیات خود که همانا ورود زمینی مزدوران و راه اندازی جنگ داخلی بود را ندادند.

اما آنها در مقطع اخیر دست روی همان نقطه قوت ما یعنی اتحاد مقدس مردم گذاشتند و با ایجاد التهابات ارزی و اخلال در چرخه مالی کشور، زمینه سازی فشار مضاعف بر مردم و شکل گیری اعتراضات مردمی را فراهم آوردند. پس از آن با فعال سازی مزدوران داخلی و دستورالعمل کشته سازی و خشونت حداکثری، یک بازی دوسر برد را آغاز کردند. اولاً با ارتکاب جنایت‌های وحشیانه و قتل و کشتار گسترده، انتقام خود از مردم و همبستگی آنها را بگیرند و ثانیاً سعی دارند با عملیات‌های شناختی و جنگ نرم، این کشته‌ها را منتسب به نیروهای حافظ امنیت کشور کنند تا بتوانند در این آشفته بازار ایجاد شده، ادامه جنگ ۱۲ روزه و تکمیل سناریوهای مانده از جنگ قبلی را محقق کنند.

۵۵

با وجود موفقیت‌هایی که در ترور فرماندهان و بمباران بخش‌هایی از کشور نصیب دشمن شد، اما آنها نتوانستند سناریو اصلی خود که به اذعان رئیس‌جمهور آمریکا «تسلیم بی قید و شرط» ایران بود را محقق کنند.

ریشه اصلی وقوع بی ثباتی ارزی، سیاست فشار حداکثری دشمن برای فشار معیشتی بر مردم است.



برکسی پوشیده نیست که اقتصاد ایران سالها تحت تاثیر تحریم های ظالمانه آمریکا، دچار اختلالات زیادی خصوصا در چرخه فروش نفت و بازگشت ارز حاصل از این چرخه قرار داشت. در این شرایط خاص، ایجاد شبکه های مالی متنوع و تحریم ناپذیر، راهبردی بود که ایران برای دورزدن تحریم و عبور از سد آن در پیش گرفت که مسلما این راهکارهای مقطعی و اضطراری، دارای نقص ها و خلاء های مختلفی نیز بودند.

در مقطع اخیر، دشمن با استفاده از همین خلاء ها و نقص ها، توانست با ایجاد اختلال در چرخه بازگشت ارز در کشور، بازار ارز و به تبع آن معیشت مردم را تحت تاثیر شدید قرار داده و زمینه ساز بروز اعتراضات از طرف

کسبه و بازاریان کشور شود. اگرچه دولت با برنامه ریزی و تلاش برای حل ریشه ای این مشکل، وارد میدان شده اما بازگشت ثبات به وضعیت اقتصادی کشور، مستلزم گذشت زمان و مدیریت صحنه است. صبر مردم و همکاری آنها در این مقطع با تلاش های دولت، میتواند کمک زیادی به حصول ثبات اقتصادی کشور کند.

طرح دشمن صرفاً با برگزاری تجمعات پایان نخواهد یافت.



روز دوشنبه در سراسر کشور تجمعات خیره کننده و بی بدیلی در راستای عزای عمومی و محکومیت جنایت های صورت گرفته، برگزار شد. برخی منابع تعداد شرکت کنندگان در این راهپیمایی ها را بالغ بر ۲۰ میلیون نفر برآورد نمودند. با این حال الگوریتم طراحی های جریان معارض نشان داده است که با پیش بینی های قبلی خود را برای مقابله حداکثری با اراده ملت ایران مهیا کرده اند. تجربه اتفاقاتی مانند ماجرای هواپیمای اوکراینی نشان می دهد که باید برای سناریوهای آینده دشمن با چشمانی باز آماده بود و از هرگونه ساده انگاری پیرامون ایام پیش رو خودداری نمود.

شهادت خشونت آمیز مردم عادی، بزرگترین ظلم آشوب گران است.

در اغتشاشات دی ماه، خشونت بالا و قتل بر مردم عادی روا داشته شده است. این مساله بخشی از «پروژه کشته‌سازی» توطئه‌ای با ریشه‌های صهیونیستی و آمریکایی است که در آن مردم عادی قربانی شده‌اند. گفتنی است که قتل هر بیگناه، ظلمی است و قتل مردم عادی که فاقد هرگونه وسیله دفاعی بوده‌اند، ظلمی مضاعف محسوب می‌شود. تحقق عدالت و پاسخگو نمودن همه عوامل دخیل و دفاع از حقوق تمامی مظلومان، صرف نظر از هویت یا وابستگی سیاسی شان، ضروری است و موجب التیام زخم‌های جامعه است.

با وجود این، باید توجه داشت که نظام جمهوری اسلامی همواره در راستای حفظ امنیت و آرامش جامعه گام‌های موثری برداشته و از جان و مال مردم محافظت کرده است. نیروهای امنیتی و انتظامی با تلاش فراوان، در مهار این جنگ شهری و جلوگیری از گسترش خشونت نقش مهمی ایفا کردند. همچنین، نظام قضایی کشور با دقت و توجه به قوانین و مقررات، در پی شناسایی و مجازات عوامل اصلی این ناآرامی‌ها است.

بسیاری از این وقایع، ناشی از تحریکات دشمنان و فعالیت سازمان دهی شده توسط سرویس‌های جاسوسی خارجی است که با استفاده از فضای ناآرامی و ناراضی، تلاش داشتند تا امنیت و ثبات کشور را به خطر اندازند و زمینه دخالت خارجی در کشور را فراهم آورند. این توطئه‌ها با هوشیاری و اتحاد مردم و نیروهای امنیتی و انتظامی تا کنون خنثی شده و ملت ایران بار دیگر نشان داد که در برابر تهدیدات خارجی و داخلی، متحد و آگاه خواهد بود. همچنین، با توجه به نقش پررنگ رسانه‌های دشمن در تشویش اذهان عمومی و ایجاد فضای منفی، ضروری است دستگاه اطلاع‌رسانی کشور تلاش کند تا با ارائه اطلاعات دقیق و مستند، حقیقت ماجرا را به اطلاع ملت ایران برساند.



با توجه به نقش

پررنگ رسانه‌های

دشمن در تشویش

اذهان عمومی

و ایجاد فضای

منفی، ضروری

است دستگاه

اطلاع‌رسانی کشور

تلاش کند تا با ارائه

اطلاعات دقیق و

مستند، حقیقت

ماجرا را به اطلاع

ملت ایران برساند.

آتش زدن کسب و کارها و بازار، هرگونه انگیزه معیشتی در آشوب‌گران را منتهی می‌کند.

خبرهای این روزهای کشور به اعتراضاتی باز میگردد که بازاریان تهران کلید زدند. یک اعتراض به حق و مسالمت آمیز که نسبت به وضعیت اقتصادی و معیشتی کشور، انتقاداتی داشت و رهبر انقلاب نیز در واکنش به مطالبات آنها فرمودند: «حرف بازاری‌ها درست است، با عدم ثبات ارزش پولی نمیتوان کاسبی کرد. رئیس‌جمهور و مسئولین درصدد علاج هستند». این اعتراضات به صورت جسته و گریخته در نقاط دیگری از کشور نیز برقرار بود و روند اقتصادی خود را ادامه میداد. اما چیزی نگذشت که محتوای شعارهای اعتراضی تغییر کرد و افراد مسلح با اهدافی غیراقتصادی به جمعیت‌ها اضافه شدند.

آنها نه تنها مطالبات اعتراضی را از سمت و سوی اقتصادی به سمت مطالبات شدیداً تند سیاسی تغییر دادند، بلکه رویکرد اعتراضات را از مطالبه سازنده به سمت تخریب‌های سوزاننده کشاندند. دیگر تجمعات بازار و خیابان‌ها، به منظور اعلام شعار و اعتراض ایجاد نمیشد، بلکه با حضور و مدیریت این افراد مسلح، تمرکز تجمعات بر تخریب و آتش‌سوزی قرار گرفت و از آن لحظه که این تجمعات، اقدام به آتش زدن بازارها، مغازه‌ها و کسب و کار مردم کردند، مشخص شد که آن اعتراضات به حق اولیه که از جانب عموم مردم و اهل بازار صورت گرفته بود، توسط تروریست‌های مسلح، دزدیده شده است. این عملاً یک عملیات ربایش بود که توانست یک مطالبه به حق مردمی را به نفع خودش مصادره کند، ماهیتش را تغییر دهد و علیه نظام سیاسی کشور به کار گیرد. این تروریست‌های مسلح و وابسته به دشمن، به سرعت ماهیت واقعی خودشان را با سوزاندن بازارها و مغازه‌های مردم نشان دادند، چراکه این کار به وضوح نشان میداد که دشمن اصلی آنها، خود مردم هستند. به همین جهت بود که اولین مرحله تخریب آنها، متوجه بازار خود مردم و کسب و کار ملت ایران شد.

به همین دلیل، ملت بصیر ایران، به سرعت صف اعتراضی خود را از صف تروریست‌های اغتشاشگر جدا کرد تا مطالبات برحق که دارد، به دست دشمنان این کشور تصرف نشود. امروز در شرایطی هستیم که یک اعتراض مسالمت آمیز از خاستگاهی اقتصادی و از جانب بازاریان تهران که از جانب رهبر انقلاب نیز شنیده شد و نسبت به آن پاسخ متناسب هم دریافت کرد، به تصرف تروریست‌های مزدور درآمده است و این تروریست‌های خون‌خوار، قربانی اول خودشان را مردم مظلوم ایران قرار دادند و به آتش کشیدن بازارها و مغازه‌های مردم را اهرمی برای فشارهای خود علیه نظام سیاسی کشور قرار دادند.

استفاده از واژه «اغتشاش» برای بیان اتفاقات روزهای گذشته کفایت نمی‌کند.



ماهیت اتفاقات چند روز گذشته، به روشنی نشان داد که تلقی این رویدادها صرفاً به عنوان «اعتراض» یا «اغتشاش» یک ساده‌انگاری خطرناک است. حجم بالای حضور عناصر مسلح، سلاح‌های گرم و سرد و همچنین کشتار هدفمند و بی‌رحمانه، به همراه هم‌راستا بودن این اقدامات با درخواست‌های نیروهای متخاصم خارجی، ماهیت جنگ شهری این درگیری‌ها را به وضوح آشکار می‌کند. این دیگر صرفاً یک تجمع مسالمت‌آمیز نیست، بلکه یک رویارویی مسلحانه و سازمان‌یافته با هدف ایجاد ناآرامی، ترس و بی‌ثباتی در کشور است. این اقدامات، با هدف تضعیف روحیه امنیتی و ایجاد شکاف در جامعه طراحی شده‌اند و نشان‌دهنده یک توطئه پیچیده و خطرناک هستند.

بر اساس جنگ شهری و چند لایه طراحی شده توسط دشمنان ایران اسلامی و اکتش قاطع و یکپارچه نهادهای داخلی امنیتی و حضور و حمایت همگانی مردم مورد انتظار است. شناخت دقیق ماهیت این درگیری‌ها و مقابله با عوامل اصلی آن، از جمله عوامل خارجی و داخلی که در این توطئه نقش دارند، برای حفظ امنیت، ثبات و پیشرفت کشور ضروری است. مقاومت و ایستادگی در برابر این تهدید، نه تنها برای حفظ ارزش‌های ملی، بلکه برای تضمین آینده‌ای روشن و امن برای نسل‌های آینده ضروری است.



ماهیت اتفاقات

چند روز گذشته،

به روشنی نشان

داد که تلقی این

رویدادها صرفاً به

عنوان «اعتراض»

یا «اغتشاش»

یک ساده‌انگاری

خطرناک است.

دشمن انتظار بروز اقتدار و اراده مستحکم نیروهای انتظامی و بسیجی کشور را نداشت.

دشمن، مقاومت و اراده‌ی قوی نیروهای انتظامی و بسیج را پیش‌بینی نمی‌کرد. در تحلیل خود، انتظار داشت پس از بروز خشونت و رعب، این نیروها عقب‌گرد کرده و راه را برای تروریست‌ها هموار کنند. اما ایستادگی و فداکاری



حفاظان امنیت، این پیش‌بینی را باطل کرد. اراده‌ی مستحکم آن‌ها، نمادی از قدرت ملت و نیروهای امنیتی ایران شد و آمادگی کشور برای مقابله با هر تهدیدی را به نمایش گذاشت. این موفقیت، روحیه ملی را تقویت، اعتماد به نفس را افزایش و یکپارچگی ملت را به همراه داشته است. این ایستادگی شگرف نشان می‌دهد نیروهای مدافع امنیت، توانایی غلبه بر چالش‌های امنیتی و دفاع از ارزش‌ها و منافع ملی را دارند.

این رویدادها در کنار نمایش اراده و اقتدار نیروهای امنیتی و تغییر خطای محاسباتی دشمن، اعتماد به نفس عمومی را نیز به شدت افزایش داد. مردم شاهد بودند که حفاظان امنیت، با فداکاری و ایستادگی، از آن‌ها در برابر هرگونه تهدید محافظت می‌کنند. این تجربه، باعث تقویت حس یکپارچگی و همبستگی ملی شده و نشان می‌دهد که ملت ایران در برابر هرگونه چالش، متحد و مقاوم خواهد بود. این موفقیت، فرصتی ارزشمند برای بازسازی اعتماد عمومی و تقویت انسجام اجتماعی است و می‌تواند به عنوان یک درس بزرگ برای آینده در حوزه امنیت و دفاع ملی تلقی شود.



این رویدادها در کنار نمایش اراده و اقتدار نیروهای امنیتی و تغییر خطای محاسباتی دشمن، اعتماد به نفس عمومی را نیز به شدت افزایش داد.

باید برای ادعاهای روزهای آینده از امروز روایت پردازی کنیم.



همیشه درک همگان از موضوعات واحد برابر نیست، درکی که مشاهده کننده‌ی صحنه‌ی وحشیانه‌ی بریده شدن گلوی یک جوان از واقعیت متجاوزان به امنیت عمومی مردم پیدا میکند با درکی که مدعیان دروغین آزادی بیان

با ادعای اعتراضات اجتماعی و تجمعات مسالمت‌آمیز در ذهن افکار عمومی مخاطب خود ایجاد میکنند دو تصویر کاملاً متضاد است. در چنین وضعیتی هنر رسانه به سان هنر رزم اهمیتی راهبردی و حیاتی می‌یابد. اولین و مهمترین نکته در این مسیر روایت اول از وضعیت داخلی ایران است. تجربه نشان داده معمولاً در چنین برهه‌هایی برخی تلاش می‌کنند برای عادی نمایش دادن وضعیت یا با دلایل امنیتی و از روی دلسوزی از انتشار برخی اخبار تلخ جلوگیری کنند. بدون توجه به این تجربه‌ی بارها و بارها تکرار شده که دنیای فجای مجازی دنیای امکان مخفی سازی این وقایع نیست. تنها مسأله آن است که چه کسی از چه زاویه‌ی و با چه ادعایی وقایع را به نفع خود بیان و تفسیر کند. متأسفانه امروزه تبدیل ساختن تصویر کشته شدگان به دست عوامل موساد و آشوب‌آفرینان مزدور خارجی به تصویر مظلومانی که بر اثر تجاوزگری حاکمیت کشته شده‌اند حتی سهل‌تر از نمایش خود حقیقت شده‌است. در چنین وضعیتی اقتضای دفاع از هویت ایران و ایرانی، نمایش واقعیت تروریستی نیروهای مستقیم یا نیابتی رژیم صهیونیستی در خاک ایران و دفاع قبلی در برابر ادعاهای بعدی است؛ ادعاهایی که ادامه‌ی مسیر دروغ‌پردازی‌های آمریکا، رژیم صهیونی و سایر همکارانشان خواهد شد و با بازیگری ترامپ بهانه‌های مداخلات احتمالی دیگری را در امور داخلی کشور عزیزمان به دست خواهد داد.



متأسفانه امروزه

تبدیل ساختن

تصویر کشته شدگان

به دست

عوامل موساد

و آشوب‌آفرینان

مزدور خارجی به

تصویر مظلومانی که

بر اثر تجاوزگری

حاکمیت

کشته شده‌اند حتی

سهل‌تر از نمایش

خود حقیقت

شده‌است.

تحریم تعرفه ای جدید انتقام فوری ترامپ از مردم ایران است.



Donald J. Trump

@realDonaldTrump

Effective immediately, any Country doing business with the Islamic Republic of Iran will pay a Tariff of 25% on any and all business being done with the United States of America. This Order is final and conclusive. Thank you for your attention to this matter!

PRESIDENT DONALD J. TRUMP

284 ReTruths 917 Likes

Jan 12, 2026, 10:46 PM

رئیس جمهور امریکا بلافاصله پس از حضور میلیونی مردم در اجتماعات حمایتی از نظام در سراسر کشور، دستور تحریمی جدیدی مبنی بر اعمال تعرفه ۲۵ درصدی برای کشورهایی که با جمهوری اسلامی مرادده تجاری دارند، را ابلاغ نمود. فارغ از آن که این جنگ تعرفه آیا اساساً اثرات و پیامدهای تحریمی جدیدی بر اقتصاد ایران خواهد داشت یا خیر، این مسأله بسیار محل تأمل است که چگونه با بروز حمایت عمومی ملت ایران از نظام اسلامی، ترامپ نسبت به تنبیه عمومی ایرانیان و اعمال فشارهای اقتصادی شدیدتر مجبور شده است. این رفتار خصمانه رئیس جمهور امریکا نشان می‌دهد شعارهای روزهای گذشته او مبنی بر حمایت و پشتیبانی از مردم ایران کاملاً پوچ بوده و حتی برای چند روز هم تاریخ مصرف نداشته است.



این مسأله بسیار محل تأمل است که چگونه با بروز حمایت عمومی ملت ایران از نظام اسلامی، ترامپ نسبت به تنبیه عمومی ایرانیان و اعمال فشارهای اقتصادی شدیدتر مجبور شده است.

بازیگری در طرح دشمن، فشارهای اقتصادی بر مردم را بیشتر می کند.

فشارهای حداکثری امریکا بر علیه مردم ایران از انتهای دهه ۸۰ شمسی و اعمال تحریم های چندگانه نفتی و بانکی همزمان با شکل گیری فتنه سال ۸۸ آغاز گردید. دشمنی های ایالات متحده از روزهای ابتدایی انقلاب همواره برقرار بوده است اما دلیل عمده و اصلی در ورود امریکا در طرح منسجم فشار همه جانبه اقتصادی از نقطه ای آغاز شد که جریان سلطه دریافت که می تواند از ناحیه اعتراضات داخلی و به آشوب کشاندن دوره ای کشور سیاست ها و اراده خود را تحمیل نماید. در واقع عامل اساسی در کشاندن غرب به میدان تحریم های اقتصادی، افرادی در داخل کشور بودند که با بروز ناهنجاری های خیابانی و رسانه ای دشمن را نسبت به تنگ کردن این حلقه فشار امیدوار کردند. از زمان فتنه و اغتشاشات سال ۸۸، شبکه صهیونیستی تلاش نمود تا با سازمان دهی منسجم تر و حساب شده تر تیم های عملیاتی در داخل کشور و برگزاری دوره های آموزشی متنوع، نسلی از خرابکاران و مزدوران را در دامن خود پرورش دهد. به صورت همزمان با سناریوسازی و طراحی های دائمی تمام تلاش خود را برای ایجاد بلوهای بی وقفه در ایران به کار گرفتند. این تجربه ها موجب شد تا جریان معارض، به چرخه دست پیدا کند که از یک سو با ایجاد چالش و مساله واقعی در امور روزمره مردم ایران و تهییج احساسات، هر دوره بخشی از مردم را به عنوان معترضان واقعی تحریک نموده و با سوار شدن بر موج اعتراضات و جهت دهی به تحركات و شعارها، فضا را بر علیه جمهوری اسلامی رادیکال نموده و اقدامات همچون کشته سازی اتهامات جدیدی را برای نظام اسلامی خلق کند و به روایت پردازی آن پرداخته، فشار افکار عمومی داخلی و خارجی را بر ایران دوچندان نماید و با این بهانه به اعمال فشارها و تحریم های جدید اقتصادی مباردت کند. دقت در این چرخه دائمی آشکار می سازد که اساساً نقش تعیین کننده در مانایی و کارایی این الگو که نتیجه قطعی آن، تشدید تنگناهای معیشتی بر عموم مردم ایران است، بر عهده کسانی است که با بی مسئولیتی به نقش آفرینی در پازل طراحی شده و تکراری دشمن می پردازند و اصلی ترین زمینه را برای پیچیده تر شدن اوضاع اقتصادی ایرانیان فراهم می کنند.



در واقع عامل

اساسی در

کشاندن غرب به

میدان تحریم های

اقتصادی، افرادی

در داخل کشور

بودند که با بروز

ناهنجاری های

خیابانی و رسانه ای

دشمن را نسبت

به تنگ کردن این

حلقه فشار امیدوار

کردند.

در معرکه فعلی، محدوددهای برای بی‌طرفی ایرانیان وجود ندارد.

انگاره نادرستی در ذهن بخشی از مردم ایران شکل گرفته است که در وضعیت غبارآلودی همچون رخداد‌های فعلی باید خود را از صحنه کنار کشیده و صرفاً نظاره گر تحولات باشند. اما آن چه قطعی و واضح است این است که در چنین وضعیت خطیری که همه آینده کشور به رفتار و اراده توده مردم ایران منوط شده است، بی‌عملی و تماشاچی بودن مانع از آن نمی‌شود که تبعات و پیامدهای گسترده هر تغییری صرفاً به افراد دخیل در این اتفاقات محدود شود و قطعاً به صورت مستقیم زندگی همه ایرانیان را تحت شعاع قرار خواهد داد. هیچ ایرانی نمی‌تواند خود را از نتایج آشوب‌هایی که امروز در کشور برپا شده حساب خود را جدا کند. مسأله‌ای که امروز در حال رقم خوردن است وضعیت آینده نزدیک و دور همه ملت ایران را به نحوی فردی و جمعی و



ملی تحت تأثیر جدی قرار خواهد داد. لذا در میدان امروز هیچ محدوده‌ای نیست که بتوان آن را برای بی‌طرف بودن در نظر گرفت. خروجی تحولات امروز کاملاً به اراده و خواست تک تک مردم ایران گره خورده است و حتی شدت و ضعف آن نیز حتماً در اراده امروز و فردای دشمنان و دوستان مردم ایران مؤثر واقع خواهد شد.